



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۰۵

دوديال

پیشنهادی به حضور داکتر صاحب اشرف غنی

درین روزها اخباری نشر گردید که دولت امارات متحده داکتر اشرف غنی را از فعالیتهای سیاسی ممنوع نموده است. شاید فراری های دیگر در فکر فعالیتهای سیاسی باشند، اما فکر نکنم که خود داکتر صاحب غنی بعد ازین در فکر سیاست در افغانستان باشد، زیرا دو دوره ریاست او را کاملاً دلسرد و خسته ساخته است. اکنون که او از ارگ جنجالی و یک حکومت متفرق و پارلمان آنگونه و وزرا و روسای فاسد، فشارهای امریکا، مخالفت داکتر صاحب عبدالله، مشاورت فریبنده فضلی و غیره در دسرهای رهایی یافته، برایش یک غنیمت است، بر علاوه برایش یک فرصت است تا در یک گوشه خاطرات و تحلیل واقعی و علمی جامعه ی افغانی را بنویسد و آن را دودسته به ملت و جوانان تقدیم دارد. ما نمی گوئیم که از بازیهای استخباراتی اندکی پرده بردارند، زیرا ما چیزی بنام استخبارات نداشتیم، آنچه بنام اداره امنیت ملی بود، رییس و اعضای آن از رازهای کوچه ی خود شان خبر نبودند چه رسد به مسایل سیاسی و استخباراتی!

ما این را نیز نمی گوئیم که راز سقوط دولت را افشا نمایند، ولی لااقل ایشان تحصیل کرده رشته های بشر شناسی و اقتصاد اند. آنها مسایل اقتصاد و رفاه را بهتر توضیح داده میتوانند، برای افغانها اکنون فقط یک لقمه نان و زنده ماندن مطرح است. از طرف دیگر وقتی اقتصاد داشته باشیم؛ همه چیز دیگر را داریم. ما اقتصاد نداشتیم و در نتیجه روز خوب را ندیدیم. ملت ازیشان توقع تعمیم تجارب و ارائه نظرات شان را در مورد اقتصاد و رفاه عامه و پروژه های زیربنایی دارند، نه به شکل فعالیت سیاسی، بلکه منحصیث خاطرات.

سه سال قبل هنگامیکه جناب محقق صاحب اخطار داده بودند که غنی را از ارگ برون می اندازم. من در آن هنگام نیز نوشته ی را تحت عنوان (اگر اشرف غنی از ارگ بیرون شود او چه خواهد کرد؟) بتاريخ ۲۰۱۹/۰۵/۱۸ در آریانا آنلاين فرستادم و نشر شد. در آنجا نوشته بودم که در صورتیکه زنده از ارگ بیرون شد، دست به قلم برده به تعقیب کتاب (Fixing Failed States) کتابی جدیدی بنویسند، اینک اکنون عنوان کتاب جدیدش را (States and Failed Leadership/Leaders Failed) یا عنوان مشابه دیگری پیشنهاد مینمایم. زیرا جوانان ما به چنین اثری نیاز دارند. از طرف دیگر زعمای کشورهای دیگر بعد از تقاعد یا خلع قدرت خاطرات شانرا مینویسند و اکنون این چنین خاطره نویسی به یک عُرف تبدیل شده است.

شاید خواننده فکر کند که من نیت توصیف یا بدگویی غنی را دارم، نه خیر. ما هرکدام خود را خدمتگار وطن میدانیم، این قلم که عمرش را در خدمت دانش اموزی برای جوانان وقف نموده، در سفره ی بیست ساله رژیمهای گذشته سهمی نداشت و نه توقع داشت. حتا توان خریداری یک بایسکیل را نداشتیم، بایسکل سابقه ام را حینیکه برای آوردن آب با دوسطل برآمدم و دروازه حویلی باز ماند، تا برگشتم توسط دزد ماهری دزدیده شده بود.

در اوضاع خطیر کنونی هرکدام ماوشما در تصور و اندیشه ی آینده وطن و نسل فردای کشور میباشیم، توقع دارم تجارب بزرگان در خدمت شان باشد.

در دوره بیست ساله گذشته فرصتهای خوبی را از دست دایم. درمورد شش - هفت سال اخیر (انتخابات سوم و چهارم)، نظرات متفاوت وجود دارد. بیشتر مردم میگویند که داکتر غنی در دوره مذکور به مردم؛ خصوصاً به جوانان روحیه و امید بخشید، نسل جوان را سازندگان افغانستان نوین خواند و از آنها خواستار طرحهای شان بود، به آنها اعتماد نمود، ولی از اعتماد او سو استفاده شد، عوض افراد و مقامها به نهادها توجه کرد، ولی با مخالفت شدید افراد مواجه شد، زنان رابه توانمندی شان مطمئن ساخت، در فکر اتصال منطقی بود و حتا قدمهای را نیز درین راه گذاشت، ولی نقشه هایش عمداً خنثا گردید، از فقرا حمایت اش را اعلام نمود، طی جلسات رسمی به

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اعضای حکومت آیده های علمی داد، او در مجالس وزرا و سران ادرات با ارائه صحبت های عالمانه تفکر منطقی را ترویج نمود و در ایجاد یک سطح لازم کلتوری به جرات قدم نهاد (آنچه از بین رفته بود)، او با ادبیات فشرده، ولی پرمعنا یک سبک جدید صحبت نمودن و تفکر علمی را معرفی و کوشید تا (سیاه سیون) دوران اش را با قضایای جدید سیاسی آشنا سازد، اما در استفاده از تکنوکراسی، مثلها و شعر و رباعیات میلغزید و حروف حلقی را درست ادا نمی نمود، بعضاً با شوخیهای نه چندان خوب، خود را مسخره میساخت و با طوفان احساساتش فریاد هایش بلند میشد که مناسب شان یک رییس جمهور نبود، که این ناشیانه گیها باعث طعنه برای او میگردد. او روی کمیت کمکها حساب نکرد، بلکه طرفدار آن بود تا کمکها مشروط به موثریت آنها گردد، ولو اگر کم هم باشد. او میخواست اعضای اداره اش را متکی به نیروی شان سازد، و لی آنها همچنان غرق فساد تنظیم شده بودند، برایشان احساس خدمتگذاری را تلقین می نمود، ولی مفاهیم غیرشفاهی او فضای یک صنف درسی را تصویر مینمود، اعضای حکومتش آنرا برای خود کسر شان میدانستند او میخواست یک اداره نوین ایجاد نماید و در فکر دولت/حکومت رفاه بود، ولی نتوانست از همین رو عنوان کتاب جدیدش را (Failed States and Failed Leadership/Leaders) پیشنهاد نموده ام. او دریاها و آب افغانستان را آبروی افغانها خواند و گفت کشور را از انزوا بیرون میکند و به چهارراه تمدن و تجارت سوق میکند، راههای جدید تجارتي را میگشاید و اردو را استحکام میبخشد...

او در هنگام قدرت اش معانی خواستهایش را القا نتوانست. او تصمیم داشت تا زورگویان محلی را بجایشان بنشانند، ولی در مقابل نویدکها، قوماندان قیچی، ا. گ.، علیپور، شجاعی، قیصاری، قدیر، رییس قوای مرکز... دفعتهاً شاگرخ مینموده تا اینکه دولت اش به چنین سرنوشت دچار شد. بهتر است در کتاب و خاطرات جدیدش اینبار این عناوین را بگنجانند:

- Violence in Post-conflict Societies,
- Re marginalization
- War makers and State makers
- Legitimacy
- Economic Connectors
- Afghan Unity and Future...

ایکاش ایشان نظر خود را در مورد پروژه های انکشافی و احتمال انقلاب صنعتی چهارم را در کشور توضیح دهد، نظر او را در مورد یک Transfer of Authority دیگر و در مورد تحلیل و جذب و ادغام چهره های جدید بازگشته از جنگ و مهاجرت را در جامعه بدانیم، نیز جالب خواهد بود. ایکاش از تجارب سیرالیون، کوسووا، سومالیا و عراق بنویسند (البته این قلم درین در موارد نظر خود را دارم، شاید در موقع مناسب به نشر ارسال دارم). بد نیست اگر تأثیرات تخلیوی جنگ را که همه شاهد آن میباشیم، رفع آن را رهنمایی فرمایند.

این بار روی عنوانهای (National Programs) و (The State building, State-Formation) (Challenges of Implementation) تجدید نظر نمایند و شرح بیشتر بدهند. و همچنان:

Risk and externalization ,
The road less travelled: (A Case study of Afghanistan) ,
The Humanitarianisation of future politics ,

چرا کتاب و عناوین را به زبان انگلیسی پیشنهاد نموده ام؟
میدانیم که؛ غنی در ارائه بیاناتش به دری و پشتو می لنگید، احساساتی و شادی مرگک میشد، اشتباهاتی را مرتکب میشد و احساسات بر او غالب میشدند، اما به زبان انگلیسی خیلی وارد، حاکم و صحبت خیلی اکادمیک می نمود. عجیب تر اینکه درین زبان تسلط بیشتر بر احساسات خود داشت و اگر احساساتی نیز میشد با ادای جملات خوب و مناسب احساساتش را به گونه معتدل ارائه میداشت.

داکتر صاحب اشرف غنی قدرت مکالمه و صحب با دنیا را دارد. این توانایی او را در کشور کمتر سراغ داریم، شاید حقایقی را بنویسد که برای جهانیان نیز آموزنده و کمک کننده باشد، شاید جهانیان از و رای نوشته هایش افغانستان و مشکلات آنرا بهتر درک کنند. او طی سالیان گذشته از حاد ترین مسایل اقتصادی کشور و منطقه آگاهی دارد؛ چه من کتاب قبلی شان را مرور نموده ام، مانیفست را که قبل از دور اول ریاست اش نشر نموده بود، ان را نیز مطالعه نموده بودم.

دوستانیکه به سن و سال من اند و اکنون ایام تقاعد را میگذرانند و به گفته هموطنانم؛ آفتاب لب بام اند، بیاد دارند که سالها قبل مارشال شاولیخان کتابی نوشته بودند بنام (یاداشتهای من) یکی از جذاب ترین کتابها بود. در اروپا و ایالات متحده نیز از نکسن گرفته تا کسنجر و غیره خاطرات شان را صادقانه نوشته اند، حتا خاطرات نخستین کیهان نوردان (نیل ارمنسترانگ و گاکارین) پرفروش تیرن کتب بودند، چه رسد به خاطرات روسای جمهور. مردم و ملتها به این کار شان به دیده قدر مینگرند.

میدانیم که داکتر صاحب اشرف غنی در مورد منطقه، اقتصاد منطقوی و هایدرپولیتیک فهم عالی دارند، ایشان موقعیت جیواکونومیک و جیوپولتیک کشور را از هر کس دیگر بهتر تحلیل مینمایند.

اذعان میدارم هدفم از توصیف ویزرگنمایی علمی شان نیست، چه در دوران قدرت شان تُند ترین مقالات انتقادی را نوشته ام، در کنفرانسهای مختلف مستند افشاگری نموده ام. در کتابی تحت عنوان (دافغانستان یوه دیارلس کلنه تجربه...) ضعفها، نواقص و نمونه های از مردم فریبی و خیانتها و فساد اداره او و قبل از او (ح. ک.) را ذکر نموده ام که طی مدت بعد از سقوط شان هیچ مخالف شان چنین نقدهای نکرده اند، ولی تفاوت این بوده که کتاب فوق را بر اساس فاکتها و ارقام نگاشته ام، نه از روی تبلیغ.

در تمام شئون و در مجموع در نظام فاسد آن دوران، نواقص زیادی را بیاد دارم: حتا باوجودیکه خودم مصروف تدریس در پوهنتون بودم، ولی نسبت سطح پایین پوهنتونها و فساد؛ پسر را از همان سمستر اول، با مصرف شخصی به کشور هندوستان فرستادم، تا بر علاوه مسلک، وطن دوستی و صداقت را از هندو بیاموزد. پسر دیگرم را در پوهنتون خصوصی که نسبتاً دارای انضباط و نصاب بهتر بود فرستادم. اما با فراغت هر کدام نسبت نبود واسطه بیکار مانده اند، چه در آن هنگام معیار همه چیز تعلق و تملق بود. دوستان و همکاران شاهد اند که به چه اندازه حقوق مادی و معنوی ام تلف گردید و شاهد چه خیانتهای بوده ام. بناً این تحریر فعلی به هیچ صورت انتقام گیری، ارجحاری و یا بزرگنمایی و یا بُهتانها نیست، بلکه هدفم این است تا اگر بیان صادقانه ی سرگذشتها یک درسی برای آینده گان گردد. من در مقاله ی گذشته ام اشاره نموده بودم: (... کمپنی یونیکال و برابیس که چند سال قبل در منطقه به رقابت پرداخته بودند، اکنون باید یونیکال در بازی جدید منفعتش را بدست بیاورد. ممکن این کمپنی وسایل قبلی را دوباره گریسکاری و به کار ببرد...)

خواهشمندیم دا کتر صاحب تفصیل دهند که آیا بازی وارد مرحله جدیدش شد؟ ایا وسایل گریسکاری شده درست وظیفه شانرا طبق میل کمپنیها انجام میدهند؟ بازی دوام دارد... فصلهای ناتمام امانی و پلانهای انکشافی سردار داودخان ناتمام ماند. و ما...

(دوام دارد)